

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: وبسایت آنتی اشپیگل، ۵ جولای ۲۰۲۲*

نویسنده: توماس روپر Thomas Röper

برگردان: م. نوری

۱۷ جولای ۲۰۲۲

آیا ویروس کرونا سلاح میکروبی امریکا علیه قوم معینی است؟



من و همکارم آقای ایکس در حین تحقیق در خصوص پاندمی کرونا به سوالاتی برخورد کردیم که پاسخ به آن‌ها می‌توانست نقش بزرگی در درک منشأ ویروس و مشخصات و قابلیت آن ایفا کند. ما با بررسی اشخاص، سازمان‌ها و بنیادهای دخیل در آزمایشات روی ویروس کرونا، ساخت واکسین و اتخاذ تمهیدات مقابله با کرونا به شبکه بزرگی از اشخاص حقیقی و حقوقی برخوردیم و مجموعه این اطلاعات را در کتاب «دست‌اندرکاران کرونا» نوشتیم. در این بین اسنادی در ارتباط با آزمایشگاه‌های بیولوژیک امریکا در اوکراین و همچنین فرضیه‌ها و شواهد و قرائن تازه‌ای منتشر شده‌اند که من با استناد به آن‌ها می‌خواهم این فرضیه را طرح کنم که آیا ویروس کووید - ۱۹ ساخته آزمایشگاه‌های ایالات متحده امریکاست؟

روسیه و چین

سوالی که ذهن بسیاری را مشغول کرده نحوه برخورد روسیه و چین با کروناست. بسیاری معتقدند که آن‌ها هم مشابه همه کشورها رفتار کرده و سیاست اعمال محدودیت‌ها و تزریق واکسین را در پیش گرفته‌اند. من و همکارم در حین نوشتن کتاب فوق‌الذکر به‌نظر متفاوتی رسیدیم. موضوع فقط اعمال محدودیت و فقط واکسین نیست بلکه بر سر واکسینی با ماده دارویی mRNA از شرکت بیون تک - فایزر است. آمپول mRNA طبق تعریف علم پزشکی واکسین نیست بلکه ژن‌تراپی است (تا پیش از شیوع کرونا مواد دارویی ساخته شده با تکنیک mRNA در

متون پزشکی ژن‌تراپی محسوب می‌شود. در خلال پاندمی کرونا و پیش از عرضه واکسین به بازار تعریف آن عوض شد – توضیح مترجم).

هدف این بود که واکسینی که در اصل ژن‌تراپی بود به تعداد انبوهی از مردم تزریق شود. چین و روسیه وارد این بازی نشدند بلکه به محصول کشور خود و تولید واکسینی براساس تکنولوژی متفاوتی تکیه کردند و این نکته مهمی است. با این حال نحوه برخورد هر دو کشور، به‌خصوص واکنش آن‌ها به پاندمی سؤالاتی را طرح می‌کنند. همان‌طور که همه می‌دانیم چین محدودیت‌های بسیار سخت‌گیرانه‌ای را تا به امروز اعمال کرده است. هیچ کشوری به اندازه چین در اعمال محدودیت‌ها سخت‌گیر نبود و سؤال این است چرا؟

روسیه راه دیگری را در پیش گرفت. در ابتدای پاندمی روسیه واکنشی سریع و سخت‌گیرانه داشت، یکی از اولین کشورهایی بود که همه مرزهای خود را بست و اولین محدودیت‌ها را با فقط ۵۰۰ مورد ابتلا به بیماری اعلام کرد. پس از ماه مه ۲۰۲۰ و پایان اولین دور محدودیت‌ها برخورد روسیه با پاندمی توأم با مسامحه بود، حتی اگر گزارشات رسانه‌های غربی خلاف آن باشد. روسیه حق تصمیم‌گیری در مورد اعمال محدودیت‌ها را به مسئولین مناطق کشور داد و مسئولین هر منطقه فقط در صورتی متوسل به اعمال محدودیت می‌شدند که وضعیت بیمارستان‌ها بحرانی بود. روسیه در عمل تمهیدات بسیار سخت‌گیرانه‌ای را اتخاذ نکرد. به‌جز استفاده از ماسک پزشکی که تعداد کمی از مردم آن را رعایت می‌کردند و غالباً بینی را آزاد می‌گذاشتند، محدودیت دیگری نبود. در رابطه با تزریق واکسین، روسیه مدتی طولانی بر تزریق آن اصرار داشت ولی آن هم موقتی بود. علی‌العموم مردم در زندگی روزانه کمتر مقررات وضع‌شده را احساس می‌کردند تا آنچه که قانوناً پیش‌بینی شده بود. اکنون مسأله کرونا دیگر موضوع روز در روسیه نیست و مسکو حتی جریمه‌های نقدی را که در خلال پاندمی به دلیل نقض مقررات از مردم وصول کرده بود به آن‌ها بازگردانده است.

سؤال این است، چرا چین و روسیه واکنش‌های متفاوتی نشان دادند و چرا هر دو کشور در ساخت واکسین از تکنولوژی متفاوتی از غرب استفاده کردند.

سؤال مطرح

من و همکارم در نوشتن کتاب «دست‌اندرکاران کرونا» از خود سؤال می‌کردیم که چگونه می‌توان برخورد متفاوت چین و روسیه با موضوع کرونا را توضیح داد. در این خصوص دو سؤال طرح کردیم که نتوانستیم به آن‌ها پاسخ دهیم و اکنون هم نمی‌توانیم. این امر را محتمل می‌دانیم که نهادهای امنیتی و دولت‌ها بسیار پیش از آن چیزی که علناً به زبان می‌آورند در مورد ویروس و واکسین می‌دانند. در نتیجه ما فکر می‌کنیم که دولت‌های چین و روسیه پاسخ این سؤالات را می‌دانند. این سؤالات عبارتند از:

اولاً ویروس واقعاً قادر به چه کاری است؟ آیا ویروس برای برخی از قومیت‌ها خطرناکتر است؟ اگر به‌عنوان مثال ویروس سارس – کووید – ۲ برای چینی‌ها خطرناکتر از سایر ملیت‌ها باشد، پاسخ خیلی از مسائل روشن خواهد شد، از جمله واکنش بسیار سخت‌گیرانه چین و این که چرا روسیه در ابتدای پاندمی و در اعمال اولین محدودیت‌ها در مارچ ۲۰۲۰ خیلی سخت‌گیر بود، تا بعدها که اطلاعات بیشتری در مورد «قابلیت» ویروس کسب کرد. یا این که چرا پاندمی امروزه در رسانه‌های روسیه هیچ بازتابی ندارد.

و موضوع دیگری نیز در این فرضیه می‌گنجد: برگامو در ایتالیا را به‌خاطر می‌آورد و به‌یاد دارید که دولت‌های اروپایی از کمک به ایتالیا خودداری کردند؟ آن موقع روسیه پیشنهاد کمک به ایتالیا داد و به دعوت آن کشور، واحدی

از نیروهای حفاظتی بخش سلاح‌های کیمیایی و میکروبی را به برگامو فرستاد که آنجا بیمارستان صحرائی برپا کرده و در ضد عفونی خانه سالمندان و غیره کمک کردند. این اقدام روسیه را آن موقع من به‌عنوان تبلیغات ارزیابی کردم ولی حال معتقدم روس‌ها که در ابتدای پاندمی تعداد بسیار اندکی مبتلا به بیماری داشتند، در ایتالیا تحقیق کرده و اطلاعاتی در مورد ویروس و «قابلیت» آن کسب کرده‌اند. روس‌ها شش هفته در برگامو بودند، از آخر مارچ تا اوایل ماه مه ۲۰۲۰ و توانستند اطلاعات و تجربیاتی در زمینه مشخصات ویروس، قابلیت آن، معالجه و مقابله با آن را به‌دست آورند.

دومین سؤال این است: واکسین mRNA واقعاً چه کارکردی دارد؟ باید دلیلی داشته باشد که غرب این قدر سفت و سخت بر تزریق واکسین مصر است، با این که تأثیر آن آشکارا کم است، مصونیت اندکی در پیشگیری از ابتلاء به بیماری ایجاد می‌کند و مدت مصونیت هم بسیار کوتاه است. و باید دلیلی داشته باشد که روسیه و چین این واکسین را وارد کشور نکردند و روی تولید واکسین داخلی که با تکنولوژی دیگری ساخته می‌شود سرمایه‌گذاری کردند.

من پیشاپیش می‌گویم که ما تا به امروز پاسخی برای این سؤالات نیافته‌ایم. این سؤالات را ما از سال پیش طرح کردیم ولی من هیچ‌گاه در این خصوص مطلبی ننوشتیم، چون موضوع پیچیده و محل حدس و گمان است. این که اکنون در این خصوص می‌نویسم به این دلیل است که هر روز نکات جدیدی منتشر می‌شوند که می‌توانیم حدس بزنیم پاسخ این سؤالات چه می‌تواند باشد. من قصد دارم آنچه را که اخیراً منتشر شده و همچنین سؤالات را به بحث بگذارم.

در این مطلب من پاسخی به سؤالات ارائه نخواهم داد، موضوع هنوز هم در حد حدس و گمان است. چون من همیشه بر اساس اسناد می‌نویسم و هیچ وقت مایل به ارائه حدسیات و تخمینات نیستم، برای من اهمیت دارد مجدداً بر این نکته تأکید کنم.

آیا ویروس محصول آزمایشگاه است؟

من تقریباً مطمئنم که ویروس سارس - کووید - ۲ با بوجه ایالات متحده در آزمایشگاه ساخته شده است. در این رابطه من برای خوانندگانی که مقالات من در این خصوص را نخوانده‌اند توضیح کوتاهی می‌دهم. اولین گزارشات پایه‌ای در این زمینه این بود که ممکن است ویروس سارس - کووید - ۲ در ووهان چین به‌وجود آمده باشد. از آن موقع اطلاعات دیگری منتشر شده‌اند که این فرضیه را تقویت می‌کنند و مانند قطعات پازل تصویر کلی را تکمیل می‌کنند. این تصویر را می‌توان به شرح ذیل تبیین کرد.

سال ۲۰۱۴ دکتر فاوچی، (۱) رئیس انستیتو ملی آلرژی و بیماری‌های عفونی امریکا بودجه‌ای را به حساب سازمانی به‌نام اکو هلث الیانس (۲) واریز کرد که توسط دکتر پینر دازناک (۳) مدیریت می‌شد. دکتر دازناک بخشی از این بودجه را در اختیار آزمایشگاهی در ووهان چین قرار داد، جایی که خود وی در آن مشغول تحقیقات بود. او در این تحقیقات به اتفاق دکتر امریکائی باریک (۴) و کارشناس چینی متخصص خفاش‌ها به‌نام دکتر شی همکاری می‌کرد.

این سه در غاری در چین، ویروس‌های کرونا را از خفاش‌ها جمع‌آوری و بر روی آن‌ها تحقیق می‌کردند (عنوان علمی این نوع تحقیقات Gain of Function، یعنی تحقیقات برای دستیابی به کارکرد است که هدف آن افزایش قابلیت عوامل بیماری‌زا (ویروس‌ها) برای سرایت به انسان‌ها و یافتن واکسین علیه آن بیماری و جلوگیری از شیوع پاندمی است. توضیح مترجم). در اواخر سال ۲۰۱۴، در دوران ریاست‌جمهوری اوباما انجام این تحقیقات ممنوع اعلام شد. ولی این امر مانع از ادامه تحقیقات و حتی انتشار نتایج علمی آن در مجلات علمی یا اینترنت نشد. در این تحقیقات موش‌های

آزمایشگاهی به‌گونه‌ای تغییر داده می‌شدند که سیستم ایمنی آن‌ها مانند سیستم ایمنی انسان‌ها شود (اصطلاح علمی آن انسانی کردن است) و سپس آن‌ها را با ویروس کرونایی که ژن آن‌ها را تغییر داده بودند، آلوده می‌کردند.

بانک اطلاعاتی با توالی ژن‌هایی که رویشان کار شده بود سال‌ها در وبسایت آزمایشگاه ووهان چین قابل دسترس بود. این بانک اطلاعاتی در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۹ از دسترس خارج شد. اخیراً سندی از پنتاگون منتشر شده که نشان می‌دهد ویروس کرونا در اگست ۲۰۱۹ از آزمایشگاه به بیرون نشأت کرده و آزمایشگاه به این دلیل بانک اطلاعاتی را از دسترس عموم خارج کرده تا ارتباط پاندمی با آزمایشگاه را لاپوشانی کند.

دکتر دازناک از بدو شیوع پاندمی فقط مواقعی در انظار عمومی ظاهر می‌شد که سوال بر سر فرضیه نشأت ویروس از آزمایشگاه بود. او در فبروری ۲۰۲۰ یکی از امضاکنندگان نامه‌ای سرگشاده در نشریه علمی لانست بود که طی آن گروهی از دانشمندان امکان نشأت ویروس از آزمایشگاه را قویاً رد کردند.

در فبروری ۲۰۲۱ سازمان بهداشت جهانی کمیسیون تحقیقی را برای کشف منشأ ویروس به ووهان چین اعزام کرد. این کمیسیون در خاتمه بررسی‌های خود اعلام کرد که «بسیار نامحتمل» است که منشأ ویروس از آزمایشگاه باشد. تنها امریکائی عضو این کمیسیون چه کسی بود؟ درست حدس زدید: دکتر دازناک.

یک ماه پس از تحقیقات مزبور دکتر دازناک در مصاحبه‌ای در لندن مورد سوال قرار گرفت که آیا کمیسیون در حین کار در ووهان امکان دسترسی به بانک اطلاعاتی حذف‌شده از شبکه اینترنت را داشته است؟ پاسخ دکتر دازناک جالب بود:

«ما درخواستی در زمینه دسترسی به این بانک اطلاعاتی نکردیم... همان‌طور که می‌دانید قسمت اعظم کار را اگر هلت الیناس انجام داده... در اصل ما محتویات بانک اطلاعاتی را می‌دانیم.»

بنابراین دکتر دازناک قرار بود روی موضوعی که خود در آن مشارکت داشت برای سازمان بهداشت جهانی تحقیق و گواهی براننت صادر کند.

طبیعتاً هیچ‌یک از این مسائل دلیل محکمی برای اثبات فرضیه نشأت از آزمایشگاه نیست ولی شمار قرائن و شواهد بسیار زیاد است. جزئیات بیولوژیک ویروس فرضیه به‌وجود آمدن آن در آزمایشگاه را تقویت می‌کند، به‌عنوان مثال پروتئینی که ویروس سارس - کووید - ۲ را قابل انتقال به انسان می‌کند با جهش طبیعی ویروس قابل توضیح نیست، یا این واقعیت که تا به امروز حیوان واسطی که این ویروس را از خفاش به انسان قابل انتقال ساخته شناسائی نشده (امری که در مورد ویروس‌های دیگر و یافتن حلقه میانی کار دشواری نبود) و یا این که در هیچ کشوری «بیمار اول» که بیماری از او به دیگران سرایت کرده یافت نشده و یک سری مشخصات دیگر ویروس که ویروس‌شناسان قادر به توضیح آن‌ها با فرض جهش طبیعی ویروس نیستند.

همه مسائل ذکرشده نشان می‌دهند که ویروس مصنوعاً ساخته شده است. این که در هیچ جایی از جهان «بیمار اول» شناسائی نشده بیانگر آن است که ویروس عالمانه از آزمایشگاه رها شده و مسأله به این صورت نیست که یک نفر به دلیل ارتباط با حیوانی مبتلا و بیماری را به‌صورت طبیعی به دیگران منتقل کرده باشد.

سایر دلایل مؤید فرضیه نشأت ویروس از آزمایشگاه

در این فاصله شواهد دیگری نیز کشف شده‌اند که نشان می‌دهند منشأ سارس - کووید - ۲ طبیعی نبوده است. گزارش اخیر سازمان بهداشت جهانی که دو ونیم سال پس از بروز اولین موارد بیماری تهیه شده، پاسخی به منشأ ویروس

نمی‌دهد. این مسأله غیر عادی است، زیرا در انتقال بیماری‌های حیوانات به انسان، قبلاً مشکلی در مورد شناسایی اولین محل «عامل و معلول» و «بیمار اول» پیش نمی‌آمد.

گزارش سازمان بهداشت جهانی تأیید می‌کند که محل انتقال ویروس به انسان مجهول است و قابل توجه است که حتی صحت فرضیه انتشار بیماری از بازار فروش حیوانات در ووهان نیز زیر سؤال است. حتی آزمایشات ژنتیکی نیز تاکنون موفق به تعیین این که منشأ سارس - کووید - ۲ از کدام تیره خفاش‌ها و از کدام منطقه از جهان است، نشده‌اند، زیرا مشخصات ژنتیکی سارس - کووید - ۲ با ویروس‌های طبیعی خفاش‌ها در حد حیرت‌آوری متفاوت است، امری که باز هم در تضاد با فرضیه جهش طبیعی ویروس و انتقال آن به انسان است.

این موضوع را جفری ساکس، نویسنده و اقتصاددانی با شهرت جهانی در ۱۵ جون ۲۰۲۲ در کنفرانسی که توسط اتاق فکر GATE در اسپانیا برگزار شد تأیید کرد. جفری ساکس فردی معمولی نیست بلکه به مدت دو سال رئیس کمیسیون کووید - ۱۹ مجله علمی - پزشکی لانست بود. وی در سخنرانی خود (از دقیقه ۱۲/۳۵) می‌گوید:

«من تقریباً یقین دارم که ویروس از یک آزمایشگاه ایالات متحده به بیرون نشأت کرده و منشأ آن طبیعی نیست. من پس از دو سال کار فشرده روی ویروس این ادعا را می‌کنم. به نظر من منشأ ویروس اشتباه در فن‌آوری زیستی (بیوتکنولوژی) بوده و نه انتقال طبیعی به انسان. من تأکید می‌کنم که ما جزئیات موضوع را به‌طور قطعی نمی‌دانیم ولی شواهد کافی برای این که درباره موضوع تأمل و تحقیق کنیم وجود دارد. ولی در رابطه با این موضوع تحقیق نمی‌شود، نه در ایالات متحده آمریکا و نه جای دیگری. من فکر می‌کنم دلیل اصلی آن این است که نمی‌خواهند درباره این موضوع تحقیق شود».

در این که در زمینه منشأ ویروس تحقیق نمی‌شود، او درست می‌گوید. شواهد بسیاری در مورد منشأ غیرطبیعی ویروس وجود دارد ولی تحقیقات رسمی در زمینه نشأت ویروس از آزمایشگاه صورت نمی‌گیرد. اگر دقیق‌تر بگویم در مورد چنین تحقیقاتی در عرصه عمومی صحبت نمی‌شود ولی من اطمینان دارم که حداقل چین و روسیه چنین تحقیقاتی را انجام داده‌اند و نتایج آن را نیز می‌دانند ولی به هر دلیلی اعلام نمی‌کنند.

آیا کووید - ۱۹ یک سلاح میکروبی امریکاست؟

۱۱ اپریل ۲۰۲۲ در یک وبسایت کانادایی مقاله مفصلی در باره کووید - ۱۹ منتشر شد که راشاتودی آن را در ۳ جولای به آلمانی ترجمه و منتشر کرد. نویسنده مقاله در همان ابتداء به این نکته اشاره کرده که چین با پاندمی مانند حمله‌ای میکروبی برخورد کرد و نیروهای نظامی آن از بدو شیوع پاندمی در حالت آماده‌باش (DEFCON ۲) قرار دارند.

نویسنده در مقاله مزبور اطلاعات جامعی ارائه و به منابع متعددی ارجاع داده که امکان تکرار همه آن‌ها در این مطلب نیست. بنابراین به علاقه مندان توصیه می‌کنم مقاله مزبور را بخوانند و منابع ذکر شده را مورد بررسی قرار دهند چون خود مطلب و منابع بسیار جالب‌اند (۵). در این مقاله من فقط از یک منبع نقل قول می‌کنم:

«اجازه دهید کاملاً ریشه‌ئی و عمیق به مسأله بپردازیم. کووید - ۱۹ در ووهان منفجر شد و از آنجا آغاز به انتشار کرد. در نتیجه مسؤولان بهداشت چین ابتداء ووهان را قرنطینه و سپس کل استان هوبئی را حصر کردند. ویروس از ووهان به سایر شهرها سرایت کرد ولی از استان هوبئی بیرون نرفت. تقریباً همه موارد بیماری و همه مرگ و میرها در ووهان یا هوبئی بود و هیچ شهر و هیچ استانی را درگیر بیماری نکرد. در شانگهای که نزدیک هوبئی قرار دارد فقط تعداد کمی ابتلاء به بیماری یا موارد مرگ و میر بود، در حالی که در سایر شهرها و استان‌های چین هیچ مورد بیماری دیده نشد».

ولی ظاهراً ویروس مصمم بود «خیر» خود را به بخش بزرگی از مردم جهان برساند. برای همین ویروس تصمیم گرفت ووهان و هوبئی را ترک کند. ولی بهجای رفتن به سایر نقاط چین به ایالات متحده حمله کرد و پس از آن به اروپا، افریقا، بقیه نقاط آسیا و غیره. ولی واقعاً عملکرد ویروس چگونه بود؟ اگر ویروس نتوانست از هوبئی خارج و بقیه چین را آلوده کند، چطور توانست به امریکا حمله کند؟ چگونه ویروس موفق شد با جهشی هوایی از خاک چین بگذرد و در خیابان‌های نیویورک، رُم، هامبورگ و توکیو فرود آید؟ اگر ویروس نتوانست آرام آرام از «زندان دیکتاتوری وحشتناک» ووهان فرار و سایر قاره‌ها و کشورها را آلوده کند، چطور از آلوده کردن کل چین صرفنظر کرد؟»

سؤال درستی است: چرا ویروس همه چین را آلوده نکرد بلکه فقط در هوبئی «حبس» شد، ولی همزمان به خارج از چین گریخت و فقط چند هفته بعد همه جهان را (به استثنای چین) آلوده کرد؟

نکته اصلی در مقاله‌ای که توسط راشاتودی ترجمه شده و استدلالات آن در جهت طرح این فرضیه است که کووید - ۱۹ سلاح میکروبی ساخت ایالات متحده، و فقط برای اقوام معینی خطرناک بوده و نه برای همه مردم جهان. بنابه این فرضیه ویروس دارای عواقب وخیم برای ایرانی‌ها، ایتالیایی‌ها و انواع مختلف ژنوتیپ‌های موجود در آسیا بوده است. (۶)

آزمایشگاه‌های سلاح میکروبی ایالات متحده امریکا

ایالات متحده امریکا یا به عبارتی وزارت دفاع آن پنتاگون، صدها آزمایشگاه بیولوژیک را در سراسر جهان اداره می‌کند. و همه این آزمایشگاه‌ها که بودجه آن‌ها توسط پنتاگون تأمین می‌شود، حتماً در کنار تحقیقات مختلف یک اقدام واحد را انجام داده‌اند: هر یک از آن‌ها طی سال‌ها صدها بلکه هزاران نمونه آزمایش بیولوژیکی را از اهالی کشورهای مختلف که در آن‌ها فعالیت دارند جمع‌آوری و به ایالات متحده فرستاده‌اند. با این نمونه‌ها پنتاگون قادر به تأسیس بانک اطلاعاتی ژنتیک، تعیین ژنوتیپ هر یک از اقوام و تعیین این موضوع است که کدام ویروس برای کدام نوع ژنوتیپ خطرناکتر است.

خودمان را فریب ندهیم: اگر وزارت دفاع کشوری دارای چنین امکانی است در سراسر جهان جنگ به‌راه اندازد، پس خواهد توانست ویروسی را با اهداف نظامی بسازد. هدفی غیر از این با منطق نظامی و با ماهیت کار وزارت دفاع نمی‌خواند.

در خاتمه این مقاله به اسناد منتشره از سوی وزارت دفاع روسیه در خصوص آزمایشگاه‌های سلاح‌های میکروبی پنتاگون در اوکراین اشاره می‌کنم که تاکنون صحت آن‌ها مورد تردید قرار نگرفته‌اند. در زمینه دادن اطلاعات به مردم، غرب نه‌تنها کاری نمی‌کند بلکه مسائل را از مردم مخفی نگه می‌دارد. (۷)

سال ۲۰۱۴ پس از اتحاد مجدد شبه‌جزیره کریمه با روسیه، یکی از این آزمایشگاه‌های پنتاگون در کریمه به‌دست روسیه افتاد. بنابراین دولت روسیه حداکثر از سال ۲۰۱۴ دقیقاً در جریان بود امریکا مشغول به چه کاری در اوکراین است و حتماً از طریق سازمان‌های اطلاعاتی روند قضایا را تحت نظر داشته است. این امر دلیل دیگری بر اثبات این قضیه است که چرا روسیه در وضعیت هشدار بود، به‌محض شیوع پاندمی سریعاً مرزهای خود را بست و علی‌رغم ابتلاء فقط ۵۰۰ نفر به بیماری محدودیت‌های جامعی اعمال نمود.

چین در این بین سکوت نکرده و از طرق سیاسی در حال فعالیت است، امری که رسانه‌های المان آن را منعکس نمی‌کنند. وزارت خارجه چین در همان ابتدای پاندمی از ایالات متحده در مورد نقش آن در شیوع کووید - ۱۹ توضیح

خواست. در این خصوص گزارشی در المان منتشر شد ولی موضوع به‌گونه‌ای طرح گردید که گویا چین برای رفع اتهام از خود، که آن موقع ادعا می‌شد منشأ ویروس از ووهان است، چنین توضیحی را مطالبه می‌کند. پس از آغاز انتشار یک رشته از اسناد از آزمایشگاه‌های میکروبی امریکا در اوکراین از اواخر فبروری ۲۰۲۲، وزارت خارجه چین تقریباً هر هفته از ایالات متحده می‌خواهد اطلاعاتی در مورد فعالیت و اهداف ۴۰۰ آزمایشگاه پنتاگون در سراسر دنیا ارائه دهد و به مجامع بین‌المللی امکان نظارت بر این آزمایشگاه‌ها را فراهم آورد.

ویروس برای ژنوتیپ‌های معینی ساخته شده است؟

اسناد اخیراً منتشر شده حاکی از این هستند که سارس - کووید - ۲ برای ژنوتیپ‌های معینی خطرناکتر هستند تا سایر ژنوتیپ‌ها. چون من نه پزشک هستم و نه ویروس‌شناس، به خودم اجازه تحلیل بخش تخصصی اسناد منتشر شده را نمی‌دهم. فقط برای بررسی صحت این نظریه آمار مرگ و میر در کشورهای مختلف را مد نظر قرار می‌دهم. در این زمینه مهم است فقط آمار سال ۲۰۲۰ در نظر گرفته شود، یعنی زمانی که ویروس هنوز جهش ژنتیکی نکرده بود. فقط در این صورت می‌توان گفت ویروس اولیه و جهش‌نیافته چه کارکردی داشت. همان طور که می‌دانید متأسفانه وضعیت ثبت آمار سال ۲۰۲۰ چندان رضایت‌بخش نیست. برای همین این داده‌ها را می‌توان به‌عنوان شواهد و قرائن ارزیابی کرد و نه دلیل.

همین شواهد مؤید گزارشات مبنی بر خطرناکتر بودن ویروس اولیه سارس - کووید - ۲ برای ایتالیایی‌ها و چینی‌هاست تا مثلاً آلمانی‌ها. من آمار استاتیستا (۸) را مبنای کار قرار می‌دهم که به شرح زیر است:

المان تا ۲۸ دسامبر ۲۰۲۰ مجموعاً ۱۶۹۱۷۶۳ نفر مبتلا و ۳۲۴۲۰ نفر فوتی داشته است، یعنی میزان مرگ و میر در مبتلایان ۲٪ بوده، ایتالیا تا ۲۸ دسامبر ۲۰۲۰ مجموعاً ۲۰۷۰۲۵۳ نفر مبتلا و ۷۲۳۷۰ نفر فوتی داشته است، یعنی میزان مرگ و میر در بین مبتلایان ۳/۶٪ بوده، چین تا ۲۸ دسامبر ۲۰۲۰ مجموعاً ۸۹۹۷۶ نفر مبتلا و ۴۶۳۴ نفر فوتی داشته است، یعنی میزان مرگ و میر بین مبتلایان بیش از ۵٪ بوده است.

من آمار مربوط به سویدن، روسیه، اسپانیا، فرانسه و بریتانیا را هم بررسی کردم. در هیچ یک از این کشورها در اواخر دسامبر ۲۰۲۰ میزان مرگ و میر بین مبتلایان بیش از ۲/۵ در صد نبود. آمار ایتالیا و چین در سال ۲۰۲۰ و با همان ویروس اولیه تفاوت آشکاری را با سایر نقاط جهان نشان می‌دهد.

باز هم تکرار می‌کنم که این داده‌ها دقیق نیستند و این را هم می‌دانم که برای ارزیابی صحت اتهام، جزئیات زیادی درباره گروه‌های سنی مختلف و بسیار جزئیات دیگر لازم است. باز هم تکرار می‌کنم که این نکات را می‌توان به‌عنوان شواهد در نظر گرفت. ولی جالب است که این شواهد فرضیه فوق‌الذکر را تقویت می‌کنند.

به همین دلیل واقعاً کنجکاوم روسیه و چین در مورد منشأ ویروس چیزی منتشر خواهند کرد یا نه و چه موقعی. همان‌طور که دیدیم کارشناسان غربی از عدم انجام تحقیقات رسمی در مورد فرضیه نشأت ویروس از آزمایشگاه شکوه دارند و حتی گزارش اخیر سازمان بهداشت جهانی نیز در مورد منشأ ویروس نتیجه‌ای که مؤید منشأ طبیعی ویروس باشد ارائه نمی‌دهد. و این را هم در نظر بگیریم که در بیماری‌هایی با منشأ طبیعی عملاً یافتن اولین بیمار آسان است، امری که در مورد کووید - ۱۹ ممکن نبود. به عکس این بیماری همزمان در همه نقاط جهان ظهور کرد بدون این که بتوان توجیهی برای آن یافت. همین نکته بیانگر رها کردن آگاهانه ویروس از آزمایشگاه است، ولی همان طور که گفتم دلیل متقنی نیست.

* <https://www.anti-spiegel.ru/۲۰۲۲/ist-sars-cov-۲-eine-von-den-usa-entwickelte-biowaffe-gegen-bestimmte-ethnien/>

–۱ Dr. Anthony Fauci

–۲ EcoHealth Alliance

–۳ Dr. Peter Daszak

–۴ Dr. Ralph Baric

–۵ <https://deutsch.rt.com/international/۱۴۱۹۳۴-der-lockdown-von-shanghai-im-kontext-china-betrachtet-corona-als-biowaffe/>

۶ - ژنو تیپ به کل یا بخشی از اطلاعات ژنتیکی یک فرد گفته می‌شود.

۷- رجوع شود به ترجمه‌ای از همین قلم تحت عنوان «انتشار اسناد جدیدی از برنامه سلاح‌های میکروبی ایالات متحده در اوکراین»

۸- استاتیستا پلاتفرم اینترنتی المانی است که داده‌هایی را در ارتباط با آمار رسمی دولتی، بازار، افکار عمومی و غیره منتشر می‌کند.

۱۹ تیر- سرطان- ۱۴۰۱